

برای آزادی زندانیان اول ماه مه به قدرت متحد طبقاتی کارگران رجوع کنیم؟

فعالین جنبش لغو کار مزدی

بیست پنجم فروردین ماه هشتاد و شش

دنیای سرمایه داری در تمامی موجودیت خود، حتی در بهشت نمرود دموکراسی و مدنیت اش، دنیای زندان و شکنجه و کشتار حقوق انسانی، دنیای خفه ساختن هر صدای مخالف استثمار و بی حقوقیهاست. نظم سرمایه در عظیم ترین بخش این جهان، نظم بازتولید نیروی کار با ارزان ترین بهای ممکن، نظم استثمار مشدد میلیون ها زن، در هفت پست توی خانه های مسکونی، بدون هیچ دستمزد، برای بازتولید نیروی کار شاغلان، نظم استثمار میلیونها کودک خردسال، نظم اجبار زنان به تن فروشی زیر فشار گرسنگی فرزندان، نظم سیه روزی و فلاکت و فقر و بی حقوقی مطلق دهها میلیون کارگر به عنوان پیش شرط تداوم حیات سرمایه داری و تضمین نرخ سودهای کلان سرمایه جهانی است. نظم سرمایه در جامعه ایران از این دست است. در اینجا حتی رد پای هر آهنگ ضدیت با نظام بردگی مزدی، حتی هر تلاش ساده هر کارگر برای برگزاری مراسم اول ماه مه را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می گویند. احکام اخیر قضائی جمهوری اسلامی بورژوازی در مورد دستگیرشدگان اول ماه مه سال ۲۰۰۳ سقز، گوشه بسیار ناچیزی از این نوع پاسخها است. محکمه اسلامی سرمایه در سنج احکام محکمه بدوی سقز دایر بر ۴ سال برای زندان محمود صالحی و ۲ سال زندان برای محسن حکیمی و جلال حسینی را تأیید کرده است، دادگاه بورژوازی در همان حال تصریح نموده است که حکم زندان محمود صالحی پس از گذشت یکسال از حبس وی و احکام ۳ نفر دیگر از همین حالا تا مدت ۳ سال به صورت تعلیق در می آید. قضات بورژوازی اضافه می کنند که هر نوع ابراز مخالفت این فعالین با نظام بردگی مزدی، در طول مدت تعلیق حکم، متضمن اجبار آنان به تحمل مدت محکومیت جدید بعلاوه همه سالهای دیگر موضوع حکم صادره دستگاه قضائی بدوی در سقز می باشد!!! به این ترتیب بر خلاف رویه بیرونی ماجرا، محسن حکیمی و جلال حسینی نه فقط هیچ آزاد نیستند، نه فقط از شمشیر حبس و تعذیر سرمایه حتی به طور موقت جان سالم به در نبرده اند، که بالعکس هر نوع اعتراض آنها به تشدید استثمار و بیحقوقی کارگران به عنوان سند کافی جرم برای تحمل سالهای طولانی زندان اعلام گردیده است. تصمیم دولت بورژوازی در مورد این فعالین جلوه قهر همیشه جاری سرمایه علیه توده عظیم فروشنده نیروی کار است. حکم قاضیان همان حکمی است که ماشین سرکوب بورژوازی لحظه به لحظه در وجه به وجه ایران سرمایه داری علیه آحاد کارگران اعمال می کند. سؤال اساسی این است که در برابر این احکام و در برابر روند تشدید فشار و ارباب و خفقان و بگیر و ببند و زندان فعالین جنبش کارگری چه باید کرد؟

پاسخ به سؤال بالا برای گرایشات مختلف درون و حاشیه جنبش کارگری مسلماً یکسان نیست. رفرمیسم راست و

چپ در قبال این روند سنت دیرینه بسیار آشنائی دارد. عریضه نگاری به آستان رؤسای آی ال او، آسی اف تی یو، ال او، لیبر، اتحادیه کار کانادا و سایر سازمان ها و نهادهای دشمن جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر!! تسلیم شکوائیه به دولتهای سرمایه داری غرب و استمداد از دولتمردان این کشورها!!!، رجوع به احزاب و گروههایی که خود یا شریک قدرت سیاسی سرمایه هستند و یا در بهترین حالت اپوریسون اندرونی حکومت های بورژوازی را تشکیل می دهند و نوع این اقدامات از جمله کارهایی است که تکرار پرملال آنها کل کارنامه تلاش این گرایشات را آکنده است. این تلاش ها به همان اندازه که در اساس خود با نوع نگاه و روال کار جنبش ضد سرمایه داری کارگران در تعارض است، در عمل نیز سوای شکست توأم با خفت، توهم آفرینی در زندگی و ذهن و مبارزه کارگران، تبدیل شدن به ملعبه دست بخشهای مختلف بورژوازی در رقابتهای درونی آنها هیچ نتیجه ای به بار نیاروده و نمی تواند به بار آرد. این نوع رویکرد و این شیوه کار عمیقاً تسلیم طلبانه است و لاجرم فعالین راستین ضد سرمایه داری طبقه کارگر حتی زمانی که در چنگال اسارت بورژوازی باشند خواستار توسل به آن نمی باشند. در میان دستگیرشدگان اول ماه مه سفز، محسن حکیمی به کرات و به مناسبتهای مختلف اعلام داشته است که آویختن به رفرمیسم راست اتحادیه ای برای آزادی خود و همزمانش را کاری به شدت نادرست می داند.

روال کار و شیوه پیکار ما برای آزادی محمود صالحی و دو کارگر مبارز دیگر، محسن حکیمی و جلال حسینی یا سایر فعالین جنبش کارگری، موضوعی متفاوت از سایر مبارزات ما برای تحمیل مطالبات طبقاتی خویش بر نظام سرمایه داری نیست. طبقه کارگر در فرایند مبارزه طبقاتی به طور کلی و برای تحمیل هر نوع انتظار خود بر بورژوازی، سوای توسل به قدرت طبقاتی و تهاجم به شریان حیات سرمایه راه دیگری ندارد. میدان جنگ واقعی ما با نظام سرمایه داری روند کار سرمایه و رابطه تولید اضافه ارزش است. سرمایه داران و دولت آنها با هدف حصول حداکثر سود هر تعرض و تهاجمی را علیه ما ساز می کنند. مبارزه ما برای دفع این تعرضات، برای تحمیل مطالبات روز خود بر دشمن و برای تدارک جنگی سراسری علیه وجود این نظام نیز باید که در نخستین گام بستن مجاری تولید سود را دستور کار خود کند. عین همین مسأله در مورد پروسه پیکار علیه احکام زندان فعالین کارگری نیز صدق می کند. با عریضه نگاری به حضور رئیس این اتحادیه، لیدر آن حزب و دخیل بستن به پارلمان بورژوازی در این یا آن کشور نمی توان محمود صالحی را از زندان خارج ساخت یا احکام زندان محسن حکیمی و جلال حسینی را لغو کرد. زور سرمایه را تنها با زور پرولتاریا می توان پاسخ گفت. احکام زندان فعالین جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر را اعتصاب کارگران نفت و آب و برق و حمل و نقل و ذوب آهن و اتوموبیل سازی و مدارس و بیمارستانها و سایر مراکز تولید می تواند در هم بشکند. سنت تقلائی رفرمیسم راست و چپ برای توسعه توهم توده های کارگر ایران به نقش اتحادیه های عامل تحمیل بربریت سرمایه بر جنبش کارگری، سنتی منفور است که بنیاد کار خود را بر نفی قدرت پیکار طبقاتی کارگران و آویختن جنبش کارگری به دار مجادلات درونی بورژوازی جهانی استوار ساخته است. کلید آزادی زندانیان اول ماه مه اینک در دست توده های کارگر ایران و جهان قرار دارد. نواختن شیپور اعتصاب در بیشترین مراکز کار و تولید در ایران و در هر نقطه جهان است که می تواند بورژوازی اسلامی را به لغو احکام صادره مجبور سازد.

محتوای تلاش و مبارزه ما در خارج از ایران نیز به طور قطع نمی تواند و نباید از این روند مجزا باشد. باید همه

جا به توده های طبقه کارگر رجوع کرد، به جای آکسیونهای منزوی چند نفره در این گوشه و آن گوشه شهرهای بزرگ اروپا به کارخانه ها، به مدارس، به همه مراکز کار و تولید روی کنیم. هر تعداد که هستیم و در هر شهر و دیاری که زندگی می کنیم دست در دست هم در مقابل درب ورود و خروج مراکز کار تحصن کنیم، وارد کارگاهها شویم، با قدرت تمام خواستار گفتگو با کارگران و ایراد سخن در میان آنها گردیم. فریاد اعتراض طبقه کارگر ایران علیه استثمار و مظالم بورژوازی را به گوش همه کارگران جهان برسانیم و با بیشترین سماجت و پافشاری از آنها بخواهیم که ولو برای ۵ دقیقه مجاری تولید سود برای سرمایه را مسدود سازند و در این گذر حمایت طبقاتی و انترناسیونالیستی خود را از همزنجیران طبقاتی خویش در ایران اعلام دارند.

رفقا، فعالین دست اندر کار آزادی زندانیان کارگر

سنت رجوع به اتحادیه ها، احزاب سرمایه و دولتهای بورژوازی را در هم بشکنید، این کار نه فقط در راستای آزادی فعالین ضد سرمایه داری جنبش کارگری نیست، نه فقط هیچ کمکی به تقویت مبارزات طبقه کارگر در ایران نمی کند که صرفاً تلاشی در جهت انحلال جنبش ضد سرمایه داری کارگران در داربست مناقشات اندرونی سرمایه جهانی است. سنت شکنی به ویژه گسست از آنچه رفرمیسم راست و چپ بر ما تحمیل کرده است کاری دشوار است اما کاملاً شدنی است. سازماندهی رجوع به توده های کارگر، رفتن به مراکز کار و تولید، گفتگو با کارگران، دعوت آنها به حمایت طبقاتی و انترناسیونالیستی از جنبش کارگری ایران و فعالین این جنبش کاری آسان نیست اما به طور قطع ممکن و از آن مهمتر روال کار همگن و سرشتی جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر است. به این سنت روی کنیم و مخالفان آن، مدافعان سخت جان اتحادیه های ضد کمونیست و ضد کارگر را همه جا رسوا سازیم.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

۲۰۰۷/۴/۱۲